

مصادیق جرائم با انگیزه‌های مذهبی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۲۹

علی غلامی*

جمال‌الدین حسین‌زاده**

چکیده

بیشتر قریب به اتفاق پژوهش در زمینه رابطه مذهب و جرم، معطوف به نقش مذهب در پیشگیری از جرائم بوده است و از تأثیر انگیزه‌های مذهبی در ارتکاب جرائم غفلت شده است؛ درحالی‌که امروزه این جرائم حجم بالایی از اخبار جرائم را در نقاط مختلف جهان به‌ویژه کشورهای اسلامی به خود اختصاص داده است. جرم با انگیزه مذهبی، «هرگونه رفتار مجرمانه‌ای است که انگیزه انحصاری یا اصلی‌ترین انگیزه ارتکاب آن عمل به فرامین مذهبی یا پاسداری از حریم مذهب باشد». شناخت جرم با انگیزه مذهبی مستلزم بررسی تحلیلی مصادیق آن است؛ زیرا با توجه به تعریف مذکور، مصادیق جرائم با انگیزه‌های مذهبی نیز متفاوت خواهد بود. البته باید توجه داشت اساساً مذاهب راستین الهی جرم‌زا نیستند و آنچه جرم‌زایی آن در این حیطه مدنظر است، انگیزه‌های مذهبی است که می‌تواند به‌طرز نادرستی انتقال یافته باشد. جرائم با انگیزه‌های مذهبی در حوزه‌های مختلف از قبیل تنوع مصداقی، فراوانی، اهمیت مصداقی، گونه‌شناسی انگیزه و... با سایر جرائم تفاوت‌هایی دارد که این پژوهش در صدد تحلیل و بررسی آن است.

واژگان کلیدی

انگیزه، مذهب، جرم، انگیزه مذهبی

مقدمه

شناخت انگیزه‌های جرم‌زا و مهار آن‌ها مقدمه پیشگیری از بسیاری از جرائم عمدی است. انگیزه‌های مذهبی یکی از انگیزه‌هایی است که به‌عنوان محرکی قدرتمند نقش قابل توجهی را در ارتکاب برخی جرائم ایفا می‌کنند. بیشتر قریب به اتفاق پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه رابطه مذهب و جرم، معطوف به نقش مذهب در پیشگیری از جرائم بوده و در این بین از تأثیر انگیزه‌های مذهبی در ارتکاب جرائم غفلت شده است. البته باید توجه داشت که در ادیان الهی هرگز آموزه‌ای که انسان را به جرم و جنایت تشویق کند، وجود نداشته است. تعالیم انبیای بزرگ الهی همواره انسان‌ها را به سوی حق و عدالت، برادری و برابری و نیکوکاری و درستکاری دعوت کرده است. عشق به خدا و اعتقاد به جهانی جاوید به‌همراه تعالیم پیامبران الهی (ع) بزرگ‌ترین و مطمئن‌ترین عامل درونی برای خودکنترلی افراد در مواجهه با فرصت‌های انجام جرم است.

سابقه پیدایش جرائم با انگیزه‌های مذهبی به‌اندازه سابقه پیدایش ادیان و مذاهب است. در اسلام قدیمی‌ترین جرم با انگیزه مذهبی به ماجرای خوارج و قیام مسلحانه آنان ضد حکومت و خلیفه وقت مسلمین بازمی‌گردد. در ادامه نیز شهادت حضرت علی (ع) و نیز ماجرای عاشورای سال ۶۱ق نمونه‌های دیگری از جرائم با انگیزه‌های مذهبی در صدر اسلام است. در قرون میانه دو دین بزرگ جهان یعنی اسلام و مسیحیت پس از سال‌ها کشمکش و مناظره این بار برای حل مسائل اختلافی خود دست به دامان جنگ‌ها (ی صلیبی) شدند. گرچه در پس‌پرده جنگ‌های صلیبی انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی و جاه‌طلبی برخی از پادشاهان و امپراتوری‌ها قرار داشت، بی‌شک یکی از مهم‌ترین عوامل این جنگ‌ها انگیزه‌های مذهبی بود که به جامعه آن زمان تزریق شد (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۴، صص ۸۷۳-۹۹۰).

با توجه به مطالب گفته‌شده، مهم‌ترین سؤال پیش‌آمده این است که چگونه آموزه‌هایی که همواره انسان را از جرم و جنایت منع کرده است، می‌تواند در نقش یک عامل جرم‌زا عمل کند؟ نخستین گام در راستای پاسخ به این سؤال، ارائه تعریفی دقیق از جرم با انگیزه مذهبی و تعیین حدود و ثغور آن است که این امر در بخش نخست

پژوهش تحلیل خواهد شد. بدیهی است با توجه به این تعریف مصادیق جرائم مذکور نیز متفاوت خواهد بود؛ بنابراین، لازم است تا مصادیق جرائم با انگیزه‌های مذهبی با توجه به تعریف آن بررسی دقیق گردد. قبل از ورود به بحث، ذکر این نکته لازم است که تنها جرائم عمدی می‌توانند با انگیزه مذهبی ارتکاب یابند. بدین ترتیب، آنچه در حقوق جزای اسلامی با عنوان خطای محض شناخته می‌شود و نیز در جرائم غیرعمد (به دلیل نبود عنصر عمد در آن) اساساً موضوع انگیزه و به طریق اولی انگیزه مذهبی منتفی است. جرائم به لحاظ موضوع جرم و آن ارزشی است که در معرض مخاطره قرار می‌گیرد، به «جرائم علیه تمامیت جسمانی»، «جرائم علیه تمامیت معنوی»، «جرائم علیه اموال» و «مالکیت و جرائم علیه امنیت و اعتماد عمومی» تقسیم می‌شوند. با توجه به تقسیم‌بندی اخیر مصادیق جرائم با انگیزه مذهبی در بخش دوم تا پنجم مبنای بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. تعاریف

۱-۱. جرم

در سیر پیشرفت تمدن‌های بشری تعاریف مختلفی از جرم توسط گروه‌های مختلف ارائه شده است ولی هنوز هم این پدیده به تعریف جامعی که مورد قبول همگان باشد، نرسیده است. مکاتب و دانشمندان علوم مختلف بر حسب مبانی مورد قبول خود تعاریف گوناگونی از جرم ارائه داده‌اند.

از دیدگاه جامعه‌شناسان «اعمالی که هنجارهای مورد قبول اعضای یک جامعه را نقض می‌کند» (کسن، ۱۳۸۵، ص ۱۷)، انحراف نامیده می‌شود. از دید علمای جرم‌شناسی انحراف عبارت است از دور شدن از یک هنجار یا پشت کردن به آن و در واقع، نوعی هنجارگریزی است. در واقع، جرم و انحراف هر دو از مصادیق هنجارگریزی است، با این تفاوت که جرم دارای وصف قانونی و ضمانت اجرای کیفری است ولی انحراف دارای ضمانت اجرایی نظیر سرزنش یا تقیب است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲-۱۳۸۳، صص ۱۳۳-۱۳۵). با توجه به اینکه ارزش‌ها در هر جامعه‌ای نسبت به جامعه دیگر متفاوت است، مفهوم انحراف و منحرف نیز در هر جامعه‌ای

نسبت به جامعه دیگر متفاوت است؛ بنابراین، تعریفی که جوامع از انحراف می‌دهند، تعریفی نسبی است. آنچه در ارتباط با انگیزه‌های مذهبی در حال تبدیل شدن به معضلی برای برخی از جوامع است، رشد نرخ جرائم با انگیزه‌های مذهبی است و نه انحرافات با انگیزه‌های مذهبی؛ زیرا در بیشتر قریب به اتفاق موارد، تعدی و تجاوز به حقوق دیگران با انگیزه‌های مذهبی در قالب جرم نمود پیدا می‌کند و نه انحراف. بنابراین، آنچه کانون توجه این پژوهش قرار می‌گیرد، جرائم با انگیزه مذهبی خواهد بود. البته باید توجه داشت که جرائم با انگیزه‌های مذهبی باید با توجه به معنا و مفهوم جرم در هر برهه تاریخی مدنظر قرار گیرد.

۲-۱. انگیزه

انگیزه،^۱ داعی، غرض و نیت از واژه‌هایی است که در حقوق به یک معنا به کار می‌رود و گاهی نیز از آن در معنای سبب و محرک استفاده شده است (فهری، ۱۳۸۰، ص ۸۷). انگیزه یک مجموعه عوامل درونی است که هدف نهایی از ارتکاب جرم بوده و فراخوان شخص برای ارتکاب جرم است. انگیزه در واقع، یک نوع کوشش درونی و میل پنهانی است که انسان را به سوی انجام عملی خاص هدایت می‌کند. این میل درونی می‌تواند به سبب نیاز مالی، زیاده‌خواهی، مذهب، عوامل اجتماعی و هزاران عامل دیگر به وجود بیاید.

با دقت در ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده جرم این مطلب به دست می‌آید که در برخی موارد وجود انگیزه شرافتمندانه موجب زوال وصف مجرمانه از عمل ارتكابی شده و در نتیجه، جرم مذکور قابلیت سرزنش نخواهد داشت، ولی در بیشتر مواقع انگیزه شرافتمندانه می‌تواند با قابلیت سرزنش جمع شود؛ زیرا سوءنیت یکی از عناصر مرتبط با رکن روانی است، اما انگیزه به‌عنوان هدفی غایی خارج از ساختار عمل مجرمانه قرار دارد. اگرچه ممکن است در مواردی قانون‌گذار انگیزه را به‌عنوان یکی از اجزای رکن روانی جرم قرار دهد (قیاسی، ساریخانی و خسروشاهی، ۱۳۸۸، ج ۲، صص ۲۴۸-۲۴۹).

۳-۱. مذهب

مذهب^۲ در زبان فارسی به معنای جای رفتن، روش و طریقه، دین به معنای شعبه‌ای از دین (معین، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۳۹۴) آمده است. «در اصطلاح کلام اسلامی طریقه‌ای خاص در فهم مسائل اعتقادی خاصه امامت است» (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۲، ص ۱۸۱۶۷). مذهب در معنای اخص به معنای دینی از ادیان الهی است و در معنای محدودتر به هر یک از فرق اسلامی گفته می‌شود؛ مانند مذهب شیعه و مذهب شافعی. لفظ مذهب در این معنا در مقابل دین استعمال می‌شود و به همین جهت است که اصول دین را در سه چیز (توحید، نبوت و معاد) و اصول مذهب شیعه را در دو چیز (عدل و امامت) می‌دانند (لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۶۳۳). به نظر نویسندگان نیز آنچه امروزه از معنای مذهب به ذهن متبادر می‌شود، همان معنای اخص آن، یعنی دینی از ادیان الهی و یا انشعابی از هر یک از ادیان الهی است. بنابراین نویسندگان تنها ادیان آسمانی^۳ و مذهبی را که برگرفته از ادیان توحیدی هستند، داخل در معنای حقیقی مذهب می‌دانند. البته فرقه‌های مذهبی^۴ نیز که انحرافات نسبت به ادیان الهی محسوب می‌شوند و نقش قابل توجهی در ایجاد انگیزه‌های نادرست برای ارتکاب جرائم با انگیزه‌های مذهبی ایفا می‌کند، می‌تواند با اندکی اغماض در معنای مذهب وارد شود.

با توجه به اختلاف نظری که در تعریف واژه‌های جرم، انگیزه و مذهب در بین دانشمندان علوم مختلف وجود دارد، بی‌تردید تعریف جرم با انگیزه مذهبی نیز محل اختلاف خواهد بود. اما با توجه به آنچه در مورد سه واژه مذکور پذیرفتیم، جرم با انگیزه مذهبی «هرگونه رفتار مجرمانه‌ای است که انگیزه انحصاری یا اصلی‌ترین انگیزه ارتکاب آن عمل به فرامین مذهبی یا پاسداری از حریم مذهب باشد».

۲. جرائم علیه تمامیت جسمانی

«جرائم علیه تمامیت جسمانی» افراد عبارت است از کلیه جرائمی که موضوع یا هدف جرم (آماج جرم) جسم و جان اشخاص است و دایره شمول آن می‌تواند از قتل عمد به عنوان بارزترین جرم علیه تمامیت جسمانی تا یک ضرب و جرح ساده را در بر

بگیرد. «جرائم علیه تمامیت جسمانی» افراد زمانی که محرک اصلی آن انگیزه‌های مذهبی باشد، به‌عنوان یک جرم با انگیزه‌های مذهبی شناخته می‌شود.

۲-۱. قتل عمد

مهم‌ترین و خطرناک‌ترین جرائم با انگیزه‌های مذهبی قتل عمدی است. قتل عمد عبارت است از «سلب حیات از دیگری بدون مجوز قانونی» (آقایی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۲۰). با توجه به این تعریف، هرگاه سلب عمدی حیات از دیگری با انگیزه‌های مذهبی و بدون مجوز قانونی صورت گیرد، می‌توان از قتل عمد با انگیزه‌های مذهبی سخن گفت. امروزه قتل عمد با انگیزه‌های مذهبی در اشکال متنوع و درعین‌حال، وحشتناکی در حال گسترش است. قتل از طریق ترور شخصیت‌های مذهبی، بمب‌گذاری در معابر و محافل عمومی مانند مساجد، حسینیه‌ها و اماکن متبرکه، ربودن و کشتار وحشیانه اشخاص به‌منظور ایجاد رعب و وحشت در میان مذاهب دیگر، مثله کردن، سر بریدن و... مواردی است که امروزه توجه ویژه حکومت‌ها و در کنار آن ارباب رسانه‌ها و حتی فیلم‌ها و مجموعه‌ها (سریال‌ها) را به خود جذب کرده است. در مورد قتل با انگیزه مذهبی می‌توان به شهادت ناجوانمردانه شهاب و فائزه منصوری توسط برادران ریگی، قتل‌های پی‌درپی زنان خیابانی در مشهد و قتل‌های محفلی کرمان اشاره کرد.

۲-۲. جنایات کمتر از قتل

جنایات کمتر از قتل به آن دسته از جنایاتی گفته می‌شود که در آن صدمات و جراحات وارده بر قربانی منجر به مرگ وی نمی‌شود. جنایات کمتر از قتل عمد با توجه به اینکه منجر به مرگ قربانی نمی‌شود، اهمیت بسیار کمتری نسبت به قتل عمد دارند، اما هرگاه انگیزه‌های مذهبی به‌عنوان محرک اصلی این جرائم عمل نموده و منجر به ارتکاب جنایات مذکور شود، میزان اهمیت و خطرناکی این جرائم بسیار بیشتر خواهد شد. به نظر نویسندگان بهترین ملاکی که می‌تواند به‌عنوان معیار برای میزان خطرناکی این جنایات در نظر گرفته شود، قصد اصلی بزهکار از ارتکاب جنایات با انگیزه‌های مذهبی است. از این‌رو، هرگاه قصد اصلی بزهکار تنها ایراد ضرب و جرح بر قربانی باشد،

اهمیت چنین جرمی هرگز در حد و اندازه قتل عمد با انگیزه مذهبی نخواهد بود. اما اگر قصد اصلی بزهکار از ارتکاب این قبیل جرائم، قتل شخص یا اشخاص دیگری باشد ولی به دلایلی چنین نتیجه‌ای حاصل نشود و به جای آن جراحات یا نقص عضوایی حاصل شود، میزان خطرناکی چنین جرائم و البته چنین مجرمینی هرگز کمتر از قاتلان عمد نخواهد بود؛ برای مثال، بزهکار قصد داشته است تا با بمب‌گذاری در یک مراسم مذهبی تمامی افراد شرکت‌کننده در این مراسم یا بیشترین تعداد ممکن را به قتل برساند. اما به دلیل تغییر زمان مراسم یا اطلاع یافتن شرکت‌کنندگان در مراسم از بمب‌گذاری اندکی پیش از انفجار، تنها چند نفر قطع عضو و مجروح می‌شوند. چه در چنین مصداقی، مرتکب با مجازاتی همانند مجازات قتل عمد روبه‌رو نخواهد شد ولی میزان خطرناکی چنین بزهکارانی بسیار بیشتر از بزهکاران جنایات مادون نفس خواهد بود. حتی به جرئت می‌توان گفت میزان خطرناکی چنین بزهکارانی بسیار بیشتر از کسی است که تنها مرتکب قتل یک انسان بی‌گناه دیگر شده است.

۳. جرائم علیه تمامیت معنوی

در «جرائم علیه تمامیت معنوی» شخصیت و حیثیت معنوی شخص، هدف بزهکار قرار می‌گیرد. انگیزه ارتکاب جرائم علیه تمامیت معنوی می‌تواند انتقام‌جویی، سیاسی، اقتصادی، مذهبی و یا تلفیقی از این انگیزه‌ها باشد. نمی‌توان این‌گونه عنوان کرد که جرائم علیه تمامیت معنوی نسبت به سایر جرائم از اهمیت کمتری برخوردار است؛ زیرا اهمیت این دسته از جرائم با توجه به میزان صدمه‌ای که به حیثیت معنوی شخص وارد می‌شود و نیز با توجه به موقعیت اجتماعی، فرهنگی و مذهبی شخص تعیین می‌شود و چه بسا اهمیت صدمه زدن به حیثیت معنوی یک شخص که دارای جایگاه اجتماعی مناسبی است، بسیار بیشتر از تصاحب اموال و دارایی او باشد؛ برای مثال، میزان صدمه ناشی از نسبت زنا یا لواط دادن به یک شخص روحانی و معتمد محل، برای او بسیار بیشتر از میزان خسارت ناشی از بردن تمام دارایی اوست. حتی ممکن است در برخی از موارد، حیثیت معنوی اشخاص برای آن‌ها ارزشی هم‌پایه جان آن‌ها داشته باشد.

جرائم علیه تمامیت معنوی افراد به دو گروه عمده تقسیم می‌شود. برخی از آن‌ها مستلزم جبر و عنف مادی نبوده و ارتکاب آن به وسیله نوشتار، گفتار و کردار محقق می‌شود که از آن با عنوان جرائم علیه حیثیت معنوی یاد می‌شود؛ مانند توهین، افتراء، نشر اکاذیب و قذف. ارتکاب گروه دیگری از این جرائم مستلزم نوعی عنف و اجبار است؛ مانند «جرائم علیه آزادی اشخاص» از جمله هتک حرمت منازل، نبش قبر، آدم‌ربایی و تجاوز جنسی (روشنی، ۱۳۸۶، صص ۱۶-۱۷).

۳-۱. جرائم علیه حیثیت معنوی

در این قسمت به مهم‌ترین و پرمصادق‌ترین «جرائم علیه حیثیت معنوی» که با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب می‌یابد، پرداخته می‌شود.

۳-۱-۱. توهین

«توهین» هر فعل یا ترک فعلی است که عرفاً مخالف حیثیت و احترام دیگری تلقی می‌شود. توهین ذاتاً عملی غیراخلاقی و ناپسند است و به همین علت صحت یا کذب آن در ماهیت عمل مجرمانه داخل نخواهد بود بلکه آنچه در این مقام حائز اهمیت است، زشت بودن نفس عمل یا زننده بودن گفتار یا رفتاری است که موجب بی‌احترامی و کسر شأن طرف مقابل شده و عرف و عادت مرسوم، آن عمل را بی‌احترامی به طرف مقابل می‌داند (ولیدی، ۱۳۶۹، ج ۲، صص ۲۷۸-۲۸۰). بنابراین، توهین با هر انگیزه‌ای حتی انگیزه‌های عالی و شرافتمندانه و انگیزه‌های مذهبی نمی‌تواند از شناخت و زشتی آن بکاهد. از این حیث، توهین با انگیزه‌های مذهبی با توهین با دیگر انگیزه‌ها تفاوتی نمی‌کند. اما بزه‌دیدگان توهین با انگیزه‌های مذهبی غالباً افرادی هستند که از مذهبی متفاوت نسبت به مذهب مرتکبان این جرم پیروی می‌کنند و در بسیاری از موارد همین ناسازگاری مذهبی موجب بروز چنین جرائمی می‌شود. البته در بین همین بزه‌دیدگان نیز سهم شخصیت‌های مذهبی و افراد مورد احترام دینی بیش از سایر افراد است. توهین به شخصیت‌های مذهبی یکی از راهکارهای دشمنان و مخالفان یک مذهب برای تخریب چهره خود آن مذهب است.

۳-۱-۲. افترا

«افترا» در لغت به معنای تهمت زدن و به دروغ نسبت خیانت به کسی دادن آمده است (عمید، ۱۳۶۱، ص ۱۵۹) و در اصطلاح، عبارت است از نسبت دادن صریح عمل مجرمانه بر خلاف واقع به شخص یا اشخاص معین. افترا نیز عملی ناپسند و غیراخلاقی است لکن طبق قانون مجازات اسلامی تنها در صورتی منجر به مجازات مفتری (نسبت‌دهنده) خواهد شد که استناد عمل مجرمانه به دیگری کذب باشد و گرنه در صورتی که عمل انتسابی مطابق با واقع بوده و صحت داشته باشد، مجازاتی مفتری را تهدید نخواهد کرد. هرگاه انتساب کذب عمل مجرمانه ناشی از انگیزه‌های مذهبی باشد، چنین افترایی یکی از مصادیق جرائم با انگیزه‌های مذهبی خواهد بود.

۳-۱-۳. نشر اکاذیب

«نشر اکاذیب» از دو واژه نشر و اکاذیب تشکیل شده است. نشر اکاذیب در اصطلاح عبارت است از انتشار و اشاعه یا سوء نیت اخبار دروغ و وقایع خلاف امر (لنگرودی، ۱۳۸۶، ص ۵۲۹). نشر اکاذیبی که با انگیزه‌های مذهبی صورت می‌گیرد، حاصل تفکری نادرست است که به موجب آن «هدف، وسیله را توجیه می‌کند». بر طبق چنین تفکری صرف داشتن یک هدف مقدس کافی است تا از هر وسیله‌ای برای دستیابی به آن هدف استفاده کرد. مرتکبان چنین جرمی با انگیزه‌هایی چون تخریب وجهه مذهب دیگر، تخریب چهره شخصیت‌های برجسته مذهبی و از این طریق انحرافی نشان دادن اصل مذهب و آموزه‌های آن، از دور خارج کردن مذهب یا فرقه مذهبی رقیب، جذب پیروان بیشتر برای مذهب مورد قبول خود و انگیزه‌هایی از این قبیل دست به ارتکاب جرم می‌زنند.

ذکر این نکته نیز لازم است آموزه جواز استفاده از وسیله نامشروع در راستای یک هدف مشروع پدیده‌ای است که مورد قبول هیچ یک از مذاهب الهی نبوده و تنها در مورد فرقه‌های مذهبی که منشأ الهی و آسمانی ندارند، صادق است؛ برای مثال، مبنای فقهی وهابیت کاملاً مصلحتی است و همین مصلحتی بودن موجب می‌شود تا در راه رسیدن به اهدافشان از هر هدفی حتی نامشروع بهره گیرند.

۲-۳. سایر جرائم علیه تمامیت معنوی

جرائم علیه تمامیت معنوی به مواردی که حیثیت معنوی افراد مورد تعرض قرار می‌گیرد، محدود نمی‌شود. جرائم علیه حقوق افراد (مانند جرائم علیه آزادی اشخاص، کوچ اجباری و...) و جرائم جنسی نیز تحت عنوان جرائم علیه تمامیت معنوی قابل بررسی است. با توجه به گستردگی مصادیق جرائم علیه تمامیت معنوی و تنوع آن با توجه به قوانین کشورهای مختلف، در این قسمت مهم‌ترین و شایع‌ترین این جرائم که با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب می‌یابند، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۳. جرائم جنسی

جرائم جنسی در مفهوم عام خود عبارت است از کلیه ارتباطات جنسی طبیعی یا غیرطبیعی مانند زنا، همجنس‌بازی، جریحه‌دار کردن حیا و عفت دیگران و حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران (الذهبی، ۱۹۸۸م، ص ۶). در مفهوم خاص، جرائم جنسی شامل ارتباطات جنسی طبیعی (یعنی ارتباط با جنس مخالف) است و ارتباطات جنسی غیرطبیعی مانند ارتباط جنسی با جنس موافق در زمره انحرافات جنسی قرار می‌گیرد.

گذشته از معنای مضیق و موسع جرائم جنسی، آنچه در این نوشتار مد نظر نویسندگان است، آن دسته از ارتباطات جنسی است که جرم‌انگاری شده و در قانون برای آن مجازات در نظر گرفته شده است. بدیهی است چنین معنایی از جرائم جنسی در حقوق کشورهای مختلف متفاوت بوده و با مصادیق متنوعی روبه‌روست؛ برای مثال، زنا توافقی در حقوق بسیاری از کشورها جرم محسوب نمی‌شود، درحالی‌که در نظام‌های حقوقی اسلامی یک جرم جنسی محسوب می‌شود. با توجه به این مطلب جرائم جنسی مصادیق گوناگونی مانند زنا، قوادی، روسپی‌گری، حاملگی اجباری، گردشگری جنسی (تجارت جنسی)، سوءاستفاده جنسی، همجنس‌بازی و مواردی از این قبیل را در بر می‌گیرد که ممکن است برخی از این موارد در نگاه اولیه نوعی انحراف جنسی تلقی شوند.

زمانی جرم جنسی با انگیزه مذهبی به وقوع می‌پیوندد که محرک اصلی فرد در ارتکاب جرم، انگیزه‌های مذهبی باشد. ذکر این نکته نیز ضروری به نظر می‌رسد که بسیاری از جرائم جنسی ارتكابی توسط کشیشان و راهبان مسیحی در نگاه اول بیانگر نقش مذهب در ارتکاب این دسته از جرائم است. اما باید توجه داشت که عامل ارتکاب جرائم مذکور نه انگیزه‌های مذهبی، بلکه آموزه‌های افراط‌گرایانه مذهبی است. ناگفته نماند که آموزه‌های مذهبی مسیحیت که به پرهیز از آمیزش‌های جنسی سفارش می‌کند و رسیدن به درجات معنوی را تنها از طریق رهبانیت ممکن می‌داند، تا چه اندازه در سرکوبی غرایز جنسی و واکنش به این سرکوبی از طریق تجاوزات جنسی نقش داشته است.

۲-۲-۳. جرائم علیه حقوق افراد

حقوق افراد نیز می‌تواند به‌عنوان آماج جرائم با انگیزه‌های مذهبی قرار گیرد. در یک تقسیم‌بندی کلی می‌توان حقوق افراد را به دو بخش حقوق طبیعی و حقوق قراردادی تقسیم کرد. حقوق انسانی کلیه حقوقی است که هر انسانی صرف‌نظر از هرگونه قومیت، نژاد، مذهب و عقیده از آن برخوردار است؛ مانند حقوق وابسته به آزادی از قبیل آزادی در انتخاب مسکن. حقوق قراردادی شامل حقوقی است که بنا به مقتضیات اجتماعی و قراردادهای اجتماعی برای افراد در نظر گرفته می‌شود؛ مانند حق برخورداری از تحصیلات عالی.

با نگاهی به مسائلی که پیرامون جهان امروز در حال اتفاق است، می‌توان مصادیق گوناگونی از تجاوز به حقوق اشخاص (اعم از حقوق انسانی و حقوق طبیعی) مشاهده کرد؛ برای مثال، می‌توان به سخت‌گیری‌های حکومت وهابی عربستان نسبت به شیعیان مناطق شرقی این کشور و کوچ‌های اجباری مردم فلسطین توسط رژیم صهیونیستی اشاره کرد (جریس و لوبل، ۱۳۵۰، صص ۲۰۲-۲۰۴).

۴. جرائم علیه اموال و مالکیت

«جرائم علیه اموال و مالکیت» به جرائمی اطلاق می‌شود که موضوع یا هدف جرم در آن مال یا مالکیت افراد بر اموال است. همین ویژگی سبب شده است تا این دسته از جرائم نسبت به جرائم علیه تمامیت جسمانی از اهمیت کمتری برخوردار باشد. جرائم علیه اموال و مالکیت در بیشتر مواقع با انگیزه سودجویی مالی ارتکاب می‌یابد، ولی انگیزه‌های دیگر نیز می‌توانند به‌عنوان محرک اصلی در چنین جرائمی ایفای نقش کنند. با توجه به این مطلب هرگاه انگیزه‌های مذهبی به‌عنوان تنها عامل یا عامل اصلی ارتکاب یکی از عناوین مجرمانه داخل در این دسته از جرائم مطرح شود، جرم با انگیزه مذهبی (مانند سرقت با انگیزه مذهبی) ارتکاب یافته است. لازم به ذکر است که امکان ارتکاب جرائم مالی با انگیزه‌های مذهبی در برخی از مصادیق آن بسیار کم و حتی غیرممکن می‌شود؛ برای مثال، می‌توان به ارتکاب جرم صدور چک پرداخت‌نشده با انگیزه مذهبی اشاره کرد.

۴-۱. سرقت

«سرقت» از ماده سَرَقَ، به‌معنای دزدیدن و مصدر آن «سَرَقَه» است (المعجم الوجیز، ۱۹۹۰م، ص ۴۲۷). در زبان فارسی نیز سرقت به‌معنای دزدیدن یعنی بردن مخفیانه مال دیگری است. سرقت‌ها از نظر زمان، مکان، استفاده از اسلحه و مؤلفه‌های دیگر به انواع گوناگونی تقسیم می‌شود. گستردگی سرقت‌ها از یک کیف‌قاپی ساده تا سرقت‌های کلان از انبارها و بانک‌های بزرگ و نیز انواع سرقت‌های مسلحانه را در بر می‌گیرد. سرقت‌ها در غالب موارد با انگیزه‌های سودجویی مالی ارتکاب می‌یابند، ولی این مسئله به‌معنای نفی اثرگذاری سایر انگیزه‌ها مانند انگیزه انتقام‌جویی، مذهبی و سیاسی در ارتکاب سرقت نیست؛ برای مثال، در آمریکا دختری به نام پتی هرست^۵، پس از آنکه توسط یک گروه انقلابی ربوده شد، مورد شست‌وشوی مغزی قرار گرفت تا جایی که تبدیل به یک فرد انقلابی شده و برای تأمین هزینه‌های گروه اقدام به سرقت از بانک‌ها می‌کرد (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۹۱).

در مورد سرقت‌هایی که با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب می‌یابد، توجه به چند نکته کاملاً ضروری می‌نماید:

نخست، باید به این مطلب اشاره نمود که در سرقت‌های ارتكابی با انگیزه‌های مذهبی، انگیزه مذکور در قالب گونه‌های مختلفی قابل تصور است: گاهی انگیزه مذهبی بزهکار بدین صورت است که وی به قصد ضربه زدن به مالکیت بزه‌دیده اقدام به سرقت دارایی او می‌کند. در اینجا نفع شخصی و سود مالی مد نظر بزهکار نیست و آنچه مد نظر اوست، سلب مالکیت از بزه‌دیده است. این نوع سرقت که به صورت جرم از روی تنفر نیز قابل تصور است، در مواردی که امکان تخریب دارایی بزه‌دیده به طور مستقیم وجود ندارد، می‌تواند جانشین تخریب شود؛ مانند موردی که در آن یک وهابی تندرو به منظور جلوگیری از سجده شیعیان بر مَهر، مَهرهای موجود در مسجدی را بریابد.

در برخی از موارد هدف اصلی بزهکار، بزه‌دیده نیست بلکه هدف، به دست آوردن منابع مالی کافی به منظور پیشبرد اهداف مذهبی است. در اینجا بر خلاف مورد قبل، شخصیت بزه‌دیده و اینکه وی تابع چه مذهبی باشد، اهمیتی ندارد.

همچنین، انگیزه مذهبی ایجادشده در بزهکار می‌تواند به علت ویژگی خاصی باشد که مال سرقت‌شده دارد. این ویژگی از دو جهت قابل بررسی است: ممکن است مال سرقت‌شده از لحاظ مذهبی مورد علاقه بزهکار بوده و ارزش معنوی فراوانی برای وی داشته باشد؛ مانند سرقت کتاب‌ها یا نسخه‌های تاریخی یک مذهب که در اختیار پیروان یک مذهب دیگر است. برعکس، گاهی نیز ممکن است علت سرقت مال تنفر بزهکار نسبت به مال سرقت‌شده باشد. در اینجا هدف نهایی مرتکب از بین بردن مال مسروقه است؛ مانند اینکه مسلمانی با این عقیده که داشتن مشروبات الکلی برای هرکس حتی اهل کتاب حرام است، اقدام به سرقت مشروبات الکلی یک غیرمسلمان اهل کتاب نماید و سپس آن را از بین ببرد.

در ارتکاب برخی از سرقت‌های با انگیزه مذهبی به جای خود مال سرقت‌شده، مکان سرقت (مانند مسجد یا امامزاده) برای ربایندگان موضوعیت دارد. در این موارد با اندکی مسامحه می‌توان بزه‌دیده اصلی را مکان مذهبی مورد نظر دانست. ممکن است

سرقت مقدمه یا وسیله‌ای برای هدفی بالاتر و مهم‌تر باشد؛ برای مثال، در جایی که یک وهابی تندرو اقدام به ربودن فرش‌های یک امامزاده می‌نماید، خود فرش و سرقت آن برای وی موضوعیت ندارد بلکه آنچه برای وی حائز اهمیت است، جلوگیری از حضور شیعیان در جایی است که در اندیشه وی نماد کفر و شرک است.

در مواردی نیز بزه‌کار با توجه به آموزه‌ای مذهبی که تعرض به مال بزه‌دیده را مباح می‌داند، اقدام به سرقت اموال وی کند.

در نهایت، انگیزه مذهبی ارتکاب جرم سرقت می‌تواند ترکیبی از دو یا سه مورد از گونه‌های مذکور باشد.

نکته دیگری که اشاره به آن ضروری می‌نماید، این است که آنچه در نظام کیفری ایران با عنوان سرقت حدی شناخته می‌شود، نمی‌تواند با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب یابد. به عبارت روشن‌تر، جرم سرقت حدی با انگیزه مذهبی نمی‌تواند محقق شود؛ زیرا سرقت‌های حدی تنها با جمع تمامی شانزده شرط لازم برای آن امکان تحقق دارند و در صورتی که حتی یکی از این شرایط حاصل نشود، نمی‌توان از جرم سرقت حدی سخن گفت. درحالی‌که در سرقت‌هایی که با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب می‌یابد، هیچ موقع تمامی شرایط لازم برای سرقت‌های حدی حاصل نمی‌شود؛ برای مثال، یکی از شرایط سرقت حدی این است که سارق «بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است». اما در سرقت‌هایی که با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب می‌یابند، سارق عمل ربودن خود را حرام نمی‌داند یا در مواردی شرط «سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است»، محقق نمی‌شود؛ زیرا سارق تصرف آن مال را برای خود مباح می‌داند و اساساً آن را مال غیر نمی‌داند.

نکته پایانی اینکه اگرچه ارتکاب انواع سرقت‌ها با انگیزه‌های مذهبی محتمل و ممکن است ولی در عمل برخی از انواع سرقت‌ها کمتر با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب می‌یابند؛ برای مثال، سارقان موتورسیکلت، کیف‌چاپ‌ها، جیب‌برها و مواردی از این قبیل غالباً با انگیزه‌های مالی مرتکب سرقت می‌شوند، اگرچه امکان ارتکاب آن با انگیزه‌های مذهبی وجود دارد. با توجه به این مطلب در اینجا مهم‌ترین گونه‌های سرقت با انگیزه‌های مذهبی بیان خواهد شد.

۴-۱-۱. سرقت مقرون به آزار

سرقت مقرون به آزار سرقتی است که در آن طی زمان ارتکاب بزه و در طول عملیات اجرایی، آزار همراه و قرین با آن باشد (کوشا، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳). سرقت‌های مقرون به آزار در دو فرض قابل تحقق است؛ فرض اول جایی است که سارق از همان ابتدا قصد آزار و اذیت بزه‌دیده را دارد و موفق به عملی نمودن مقصود خود می‌شود که ما این سرقت را سرقت مقرون به آزار اولیه می‌نامیم. فرض دوم نیز زمانی اتفاق می‌افتد که سارق از ابتدا قصد آزار و اذیت قربانی را ندارد ولی به‌دلایلی مانند مقاومت قربانی جرم، ترس از شناسایی به‌وسیله مقتول و افشاگری و نیز گرفتن زهر چشم از وی، مرتکب اذیت و آزار وی می‌شود و ما این نوع سرقت را سرقت مقرون به آزار ثانویه می‌نامیم. با توجه به این دو فرض سرقت‌های مقرون به آزار حاصل یک تبانی و سبق تصمیم اولیه و یا ناشی از حالت‌های روانی و موقعیت ایجادشده در صحنه جرم است.

سرقت مقرون به آزار اولیه در دو حالت می‌تواند با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب یابد: حالت اول در جایی است که انگیزه سرقت و آزار دو انگیزه متفاوت است. اگرچه چنین حالتی در مورد جرائم با انگیزه‌های مذهبی کمتر قابل تصور است ولی در عمل غیرممکن نیست؛ برای مثال، عامل ارتکاب سرقت می‌تواند انگیزه مذهبی و عامل آزار و اذیتی که سارق توأم با آن مرتکب می‌شود، ناشی از یک بیماری روانی یا ناشی از تنفر بزه‌کار نسبت به قربانی باشد؛ حالت دوم، در جایی است که عامل سرقت و آزار واحد و به‌عبارتی، عامل هر دو انگیزه‌های مذهبی باشد. این مورد زمانی تحقق می‌یابد که آموزه مذهبی جان و مال پیروان مذهبی دیگر را مباح بداند و شخصی با توجه به این آموزه مرتکب جرم مورد بحث شود.

سرقت مقرون به آزار ثانویه نیز در دو حالت قابل تصور است: حالت اول، در جایی است که هدف سارق تنها سرقت با انگیزه مذهبی بدون هیچ قصد آزار و اذیتی بوده است اما در صحنه جرم مسائلی به وجود آمده که در نهایت، منجر به ایراد آزار و اذیت توسط سارق بر بزه‌دیده شده است؛ حالت دوم نیز در جایی است که اصل سرقت با انگیزه‌ای غیر از انگیزه مذهبی به وقوع پیوسته است اما در صحنه جرم حادثه‌ای به وقوع پیوسته است که منجر به اذیت و آزار بزه‌دیده آن هم با انگیزه مذهبی شده است؛

مانند موردی که در آن سارق با انگیزه‌های مالی اقدام به سرقت نموده ولی در صحنه جرم با صاحب مال درگیر شده و جملاتی از وی می‌شنود که گمان می‌کند وی به دلیل همین جملات مهدورالدم بوده و به قصد کشتن وی به او حمله می‌کند ولی به دلایلی موفق به این کار نمی‌شود و فرار می‌کند.

از میان چهار حالت مذکور، قدر متیقن سرقت مقرون به آزار (با انگیزه‌های مذهبی)، حالت دوم سرقت مقرون به آزار اولیه است؛ یعنی جایی که عامل سرقت و آزار هر دو انگیزه‌های مذهبی است. در سایر موارد نیز اگر بتوانیم انگیزه اصلی در ارتکاب جرم مذکور را انگیزه‌ای مذهبی بدانیم، جرم مذکور یک جرم با انگیزه مذهبی خواهد بود.

۴-۱-۲. سرقت مسلحانه

«سرقت مسلحانه» عبارت است از سرقتی که در طول عملیات اجرایی آن از سلاح به منظور تهدید، آزار و یا قتل قربانی استفاده می‌شود. باید توجه داشت که مسلح بودن سارق الزاماً به معنای توأم با آزار بودن سرقت نیست؛ زیرا از یک سو سرقت بدون سلاح هم می‌تواند مقرون به آزار باشد و از سوی دیگر، ممکن است وی از این سلاح در جهت آزار استفاده نکند. اما نقطه اشتراک این دو زمانی است که از سلاح به عنوان وسیله‌ای برای آزار و اذیت قربانی استفاده شود.

سرقت‌های مسلحانه در دو فرض قابل تصور است: فرض اول، جایی است که سارق با نقشه قبلی و پیش از ورود به صحنه جرم به سلاح مجهز می‌شود که این قدر متیقن سرقت مسلحانه است؛ فرض دوم، در جایی است که سارق از ابتدا مجهز به سلاح نبوده و در محل جرم اسلحه تهیه می‌کند؛ مانند اینکه وی از آشپزخانه چاقویی برداشته و با آن در سالن پذیرایی دست به سرقت می‌زند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵، ص ۳۰۵).

از دیدگاه روانی حمل اسلحه می‌تواند یک بار روانی مثبت همراه با اعتماد به نفس بیشتر برای سارقان به همراه داشته باشد. گروه‌های سازمان‌یافته با تصمیم اولیه و با طرح نقشه قبلی معمولاً سلاح را برای تهدید با خود همراه می‌سازند ولی چنانچه

استفاده از آن ضرورت پیدا کند، هیچ ابایی در استفاده از آن ندارند (قربان حسینی، ۱۳۷۱، ص ۸۶).

در سرقت‌های مسلحانه با انگیزه‌های مذهبی نیز غالباً علت حمل سلاح توسط بزهکاران این جرم، کسب اعتماد به نفس بیشتر، ارعاب، استفاده از آن در موارد ضروری و در نهایت، آزار و اذیت قربانی است. گونه‌شناسی انگیزه‌های مذهبی در مورد سرقت‌های مسلحانه همان است که در ابتدای بحث از سرقت بیان شد. در جایی نیز که از سلاح به‌عنوان وسیله‌ای برای آزار و اذیت قربانی در سرقت استفاده می‌شود، همان تحلیل جرم‌شناختی سرقت مقرون به آزار صادق خواهد بود. یکی از مثال‌های قابل توجه در این زمینه گروه «اراذل» یا «تاگ‌ها»^۶ است. اراذل یک سازمان مذهبی هندو بود که به افتخار الهه کالی دست به سرقت و قتل می‌زدند. این گروه کشته‌شدگان خود را فداکارانی می‌دانستند که در راه اهداف والای آنان کشته شده‌اند و به همین دلیل کشته‌شدگان خود را لایق بهشت ابدی می‌دانستند.

۴-۱-۳. راهزنی

«راهزنی» یکی از انواع سرقت‌های مسلحانه است که با توجه به اهمیت آن تحت عنوان مجزایی بررسی می‌گردد. راهزنان در طول تاریخ همواره برای حکومت‌ها دردسرهای فراوانی را به وجود آورده‌اند. اهمیت این گروه از بزهکاران تا جایی است که در بسیاری از موارد کارآمدی یا ناکارآمدی حکومت‌ها به میزان موفقیت آن‌ها در تأمین امنیت راه‌ها و گذرگاه‌ها و کنترل راهزنان بستگی داشت.

راهزنی می‌تواند با انگیزه‌های شرورانه و یا انگیزه‌های شرافتمندانه مانند انگیزه کمک به دیگران و یا انگیزه‌های مذهبی ارتکاب یابد. به وجود آمدن شخصیت‌هایی مانند رابین‌هود در اروپا و سرقت کاروان‌های سلطنتی و در نهایت، تقسیم اموال سرقت‌شده بین مستمندان و فقرا^۷ و یا گروه‌هایی ملقب به عیاران در ایران حاصل وجود انگیزه‌های شرافتمندانه یا مذهبی در راهزنی است.

انگیزه‌های مذهبی در راهزنی از گونه‌های متنوعی برخوردار است. انگیزه تبلیغ مذهب مورد قبول راهزنان از طریق اموال به‌دست‌آمده از راهزنی، انگیزه بر هم زدن

امنیت جاده‌ای و از این طریق تضعیف حکومت، انگیزه کمک به مستمندان و فقرا و... گونه‌هایی از انگیزه‌های مذهبی در راهزنی است.

باید توجه داشت که بین راهزنی با انگیزه‌های مذهبی و راهزنی‌های شرورانه تفاوت‌هایی وجود دارد که این دو گونه راهزنی را از یکدیگر متمایز می‌کند: نخست اینکه سرگروه و یا رؤسای راهزنی‌های شرورانه از اشرار و اوباش شناخته شده و سرشناس بوده و در بین مردم از شهرتی هم برخوردارند. این سرگروه‌ها سایر افراد گروه را با توجه به نیاز گروه از بین کسانی که زمینه شرارت در آنها وجود دارد، برمی‌گزینند. اما سردسته راهزنان مذهبی گروه‌ها اغلب در بین مردم یا دست‌کم در بین هم‌کیشان خود به‌عنوان قهرمانان مذهبی شناخته می‌شوند. سایر افراد گروه نیز از میان کسانی که با رؤسای گروه هم عقیده هستند، انتخاب می‌شوند.

دوم اینکه عامل به‌وجودآورنده جرم در راهزنی با انگیزه‌های مذهبی، عاملی مذهبی، اجتماعی و سیاسی است. اما در مورد راهزنی‌های شرورانه غالباً عوامل فردی مانند شرارت، سودجویی شخصی و زیاده‌خواهی در کنار موقعیت استثنایی مکان‌های بی‌دفاع برای ارتکاب راهزنی، عامل اصلی ارتکاب این قبیل راهزنی‌هاست.

سومین تفاوت این است که در راهزنی با انگیزه‌های مذهبی اموال به‌دست‌آمده از راهزنی برای کمک به هم‌نوعان یا هم‌کیشان، تبلیغ مذهب و سایر فعالیت‌های مذهبی و اندکی برای رفع حوائج شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما در راهزنی‌های شرورانه اموال به‌دست‌آمده توسط رؤسای گروه بین افراد تقسیم شده و برای رفع حوائج شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

آخرین تفاوت نیز در بزه‌دیدگان راهزنی‌های شرورانه و راهزنی با انگیزه‌های مذهبی است. قربانیان راهزنی شامل دو گروه عمده بزه‌دیدگان دولتی و بزه‌دیدگان عادی می‌شود. در مورد بزه‌دیدگان دولتی تفاوت خاصی بین این دو گروه راهزنی وجود ندارد ولی بزه‌دیدگان عادی در این دو گونه راهزنی متفاوت هستند. در راهزنی با انگیزه‌های مذهبی، با توجه به حاکمیت اصل اباحه جان یا مال قربانی، بزه‌دیدگان اغلب از گروه‌های متعلق به یک مذهب خاص، گروه‌های محکوم به تکفیر از نگاه بزهکاران و یا کلیه کسانی که از مذهبی غیر از مذهب مورد قبول بزهکاران پیروی می‌کنند، انتخاب

می‌شوند. چنین تفکیکی به‌جز در موارد استثنایی^۸ در راهزنی‌های شرورانه مشاهده نمی‌شود.

۲-۴. تخریب

«تخریب» از ریشه خَرَب و به‌معنای خراب کردن و ویران کردن است و در اصطلاح عبارت است از لطمه زدن عمدی به‌طور کلی یا جزئی نسبت به مال یا شیء متعلق به شخص حقیقی یا حقوقی (ولیدی، ۱۳۷۶، صص ۱۲-۱۳). در این جرم هدف اولیه یا آماج اولیه جرم همان شیء یا مال مورد تخریب است.

تخریب با انگیزه‌های مذهبی در بخش فراوانی مصادیق گوناگون و در بخش گونه‌شناسی انگیزه ویژگی‌هایی دارد که به‌دلیل ارتباط تنگاتنگ این دو بخش با یکدیگر، در ذیل هر دو بخش با هم بررسی می‌گردد.

هرچند تمامی مصادیق مذکور برای تخریب می‌تواند با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب یابد، در برخی از مصادیق با فراوانی بیشتری نسبت به سایر مصادیق روبه‌رو هستیم که این فراوانی با توجه به نوع انگیزه مذهبی بزهکار توجیه می‌شود. تخریب وسائل عام‌المنفعه و اموال مذهبی و اموال متعلق به اشخاص حقیقی از بیشترین فراوانی و تخریب جنگل‌ها، مراتع و محیط زیست از کمترین فراوانی در ارتکاب برخوردارند. سایر مصادیق تخریب مانند تخریب ادوات نظامی و اسناد دولتی در این بین قرار می‌گیرند.

انگیزه‌های مذهبی برای ارتکاب جرم تخریب نیز از گونه‌های متنوعی برخوردار است. این انگیزه‌ها گاهی با نوع مصادیق تخریب نیز ارتکاب تنگاتنگی دارند. گاهی انگیزه مذهبی برای تخریب، در قالب تنفر نسبت به مال نمودار می‌شود که این تنفر ریشه در باورهای مذهبی شخص دارد؛ مانند جایی که مسلمانی با این تصور که شرب خمر در جامعه اسلامی برای همه حتی اهل ذمه نیز حرام است، مشروبات الکلی یک مسیحی اهل کتاب را از بین ببرد. در چنین موردی حرمت و نجاست مشروبات الکلی در اسلام موجب تنفر شخص از آن شده است و ترکیب این تنفر و یک عقیده نادرست موجب ارتکاب جرم تخریب شده است.

در برخی از موارد انگیزه مذهبی در قالب مقابله با حکومت و تلاش برای براندازی و یا برهم زدن امنیت نمود پیدا می‌کند. در اینجا تخریب مقدمه اختلال در امنیت است. این مورد بیشتر در مصادیقی مانند تخریب اموال دولتی و تخریب اسناد، ادوات و تجهیزات نظامی نمودار می‌شود.

احساس وظیفه دینی نیز یکی دیگر از انواع انگیزه‌های مذهبی در جرم تخریب است. بزهکار در اینجا تخریب اموال خاصی را وظیفه دینی و مذهبی خود می‌داند؛ مانند جایی که شخصی یک اثر تاریخی را با اندیشه شرک‌آمیز بودن آن از بین ببرد. در مورد تخریب با انگیزه مذهبی می‌توان به اعمال پیروان وهابی‌ها در ویران‌سازی قبه و بارگاه اولیای الهی و غارت حجره رسول خدا در مدینه اشاره کرد (دحلال، ۱۳۶۶، صص ۸-۱۰). هرگاه وهابیان بر روستا یا شهری تسلط پیدا می‌کردند، به سراغ قبرهای ضریح‌دار رفته و آن‌ها را خراب می‌کردند تا جایی که برخی از نویسندگان اروپایی آنان را تخریب‌کنندگان معابد می‌نامند (ابوزهره، ۱۳۸۴، ص ۲۴۹). به آتش کشیدن کتابخانه بزرگ المکتبه العربیه با بیش از شصت هزار عنوان کتاب ارزشمند، چهل هزار نسخه خطی به بهانه وجود کفریات توسط وهابی‌ها (السعید، ۱۴۰۴ق، ص ۱۵۸ و امین، ۱۹۵۲م، ص ۵۵) و انجام عملیات حفاری در اطراف مسجد الاقصی و تخریب قسمت‌هایی از آن به منظور جستجوی هیکل سلیمان به وسیله رژیم صهیونیستی (رایش، ۱۳۸۱، ص ۱۶). از دیگر موارد تخریب با انگیزه مذهبی است.

۵. جرائم علیه امنیت و اعتماد عمومی

«جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی» جرائمی است که رابطه مستقیم با امنیت یک حکومت و آسایش و اعتماد عمومی دارد. جرائمی مانند شورش یا تحریک مردم به شورش ضد حکومت، ترور رهبران و مقامات سیاسی یا سوء قصد به جان آنان، کمک به بیگانگان و یا تشویق آنان به اشغال نظامی یک کشور و جرائمی از این قبیل به‌طور مستقیم با اساس یک حکومت و امنیت و آسایش عمومی در ارتباط است.

با دقت در جرائمی که با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب می‌یابند، این مطلب به دست می‌آید که جرائم علیه امنیت یک کشور نسبت به جرائم دیگر این حوزه مانند جعل و

استفاده از سند مجعول، قلب و ترویج سکه قلب و رشا و ارتشا جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی بیشتر ارتکاب می‌یابند. پس از جرائم علیه امنیت نیز جعل و استفاده از سند مجعول در رتبه بعدی قرار می‌گیرد. با توجه به این مطلب، در این مبحث مهم‌ترین جرائمی که با انگیزه‌های مذهبی در حوزه امنیت و آسایش عمومی ارتکاب می‌یابند، تحلیل می‌گردند.

۵-۱. محاربه

«محاربه» عنوانی مختص به حقوق جزای اسلام است و چنین عنوانی در حقوق سایر کشورها وجود ندارد. اما برخی از مصادیق محاربه با عنوان‌هایی دیگر (مانند robbery و burglary) در حقوق سایر کشورها قابل مشاهده است. همچنین جنگ‌افروزی (که در نظام اسلامی تحت عنوان محاربه قابل تعقیب است) در حقوق آمریکا و انگلستان تحت عنوان خیانت قابل مجازات است (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۵، صص ۳۴-۳۹). در تعریف فقها محارب عبارت است از کسی که به قصد ترساندن مردم دست به اسلحه ببرد و در این بین تفاوتی نمی‌کند که این عمل در شب یا روز، خشکی یا در آب و در داخل یا خارج شهر باشد (خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۴۲۹).

بزهکاران امنیتی غالباً ترجیح می‌دهند تا به منظور افزایش ضریب موفقیت و دستیابی به اهداف از پیش تعیین‌شده، افرادی هم‌فکر و هم‌عقیده خود را بیابد و از طریق تشکیل یک سازمان منسجم، با حکومت مقابله کنند. چنین سازمان‌هایی از همان ابتدا برای اهداف ضد امنیتی و ضد حکومتی تشکیل می‌شوند. گاهی نیز سازمانی که با اهداف روشنفکرانه و انقلابی شکل گرفته پس از مدتی از مسیر اصلی خود منحرف می‌شود و به منظور مقابله با حکومت اسلامی دست به اسلحه برده و با ایجاد رعب و وحشت در بین مردم، برای متزلزل ساختن پایه‌های حکومت اسلامی تلاش می‌کند. در مورد نوع اول محاربه در این قسمت، یعنی تشکیل گروه سازمان‌یافته برای برهم‌زدن امنیت می‌توان اقدامات گروهک وحشت‌افکنی (تروریستی) جندالله در محور شرق کشور و در مورد نوع دوم، یعنی سازمان‌هایی که مدتی پس از تشکیل منحرف شده و

اقدامات ضد امنیتی انجام می‌دهند، می‌توان به اقدامات سازمان مجاهدین خلق ایران اشاره کرد.

۵-۲. وحشت افکنی (تروریسم)

«ترور» واژه‌ای فرانسوی و به معنای وحشت است. حکومت ترور هم مربوط به انقلابی است که از ماه می ۱۷۹۳ تا ژوئیه ۱۷۹۴م در فرانسه مستقر گردید (دهخدا، ۱۳۴۳، ج ۱۴، ص ۶۳۶).

در سیاست به کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان و ترساندن آن‌ها و نیز اعمال گروه‌های مبارزی که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود دست به کارهای خشونت‌آمیز و هراس‌انگیز می‌زنند، ترور گفته می‌شود (آشوری، ۱۳۷۳، ص ۹۸).

«تروریسم از دیدگاه جرم‌شناسان گونه‌ای از خشونت است که توأم با استفاده سیستماتیک یا تهدید به توسل به قتل، جرح و خرابکاری برای تهدید یا ترساندن گروه مورد نظر که وسیع‌تر از قربانیان آنی جرم می‌باشند و یا به منظور ایجاد جو رعب و هراس صورت می‌گیرد» (نجفی ابرنآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷، صص ۳۲۶-۳۲۷).

ترور می‌تواند با انگیزه‌های سیاسی، مذهبی (ترور مقدس)^۹، اقتصادی، انتقام‌جویی و... ارتکاب یابد. همچنین ترور می‌تواند داخلی (توسط تابعان همان حکومت) و یا خارجی (توسط تابعان حکومتی دیگر) محقق شود.

وحشت‌افکن‌های (تروریست‌های) سکولار معمولاً اتهام خود را نمی‌پذیرند و آن را نوعی توطئه ضد خود تلقی می‌کنند. بر همین مبنا پس از دستگیری آن‌ها حاضرند تا در ازای براءت از انتساب عملیات وحشت‌افکنی به جرمی خفیف‌تر اعتراف کنند. چنین پدیده‌ای در مورد ترورهایی که با انگیزه‌های مذهبی ارتکاب می‌یابد، صادق نیست. در این نوع ترورها با توجه به اینکه پشت پرده عملیات وحشت‌افکنی، عامل نیرومندی به نام انگیزه مذهبی حضور دارد و وحشت‌افکن (تروریست) به‌درستی عمل خود ایمان دارد، از انتساب عمل مجرمانه به خود واهمه‌ای نداشته و حتی آن را برای خود

افتخاری می‌داند که به‌سادگی نصیب هرکسی نمی‌شود! در عملیات وحشت‌افکنی (تروریستی) که با انگیزه مذهبی ارتکاب می‌یابد، حاکمیت اصل «هدف وسیله را توجیه می‌کند» به‌خوبی قابل مشاهده است. در اینجا وحشت‌افکن (تروریست) نه تنها هدف خود را مقدس می‌داند بلکه خود وسیله نیز از منظر وی مقدس تلقی می‌شود.

در عملیات وحشت‌افکنی (تروریستی) غالباً بزه‌دیده صرفاً ابزاری برای تهدید طرف مقابل و اجبار او به تأمین خواسته‌های وحشت‌افکنی (تروریستی) است. این قربانیان اغلب شهروندان بی‌گناهی هستند که یا به‌طور تصادفی انتخاب شده یا آنکه به‌طور اتفاقی در موقعیت‌های وحشت‌افکنی (تروریستی) حضور داشته‌اند. اما اغلب وحشت‌افکن‌های (تروریست‌های) واجد انگیزه مذهبی قربانیان خود را از میان گروه‌های خاصی انتخاب می‌کنند. اشخاصی که پیرو مذهبی کفرآمیز از نظر وحشت‌افکن‌ها (تروریست‌ها) هستند، هم‌کیشانی که با کفار همکاری می‌کنند، رهبران و بزرگان مذهبی و درنهایت، کسانی که مایل به جدا شدن از سازمان تروریستی مذهبی هستند، همگی قربانیان بالقوه ترورهای با انگیزه‌های مذهبی هستند.

در ترورهای با انگیزه‌های مذهبی نمادهای مشخصی به‌عنوان آماج جرم در معرض آسیب قرار می‌گیرند اما این آماج‌ها الزاماً نمادی‌ترین مظهر تجلی قدرت یا دولتِ مقابل تروریست‌ها نیستند. در این ترورها آنچه به‌طور بالقوه آماج‌ها را در معرض خطر قرار می‌دهد، ویژگی و موقعیت خاص آماج‌هاست که کانون توجه وحشت‌افکن (تروریست) قرار می‌گیرد؛ برای مثال، در عملیات تروریستی که در عراق و پاکستان انجام می‌گیرد، علت قربانی شدن مردم بی‌گناه، ویژگی خاص موجود در آنان یعنی پیروی از مذهب شیعه است.

«به ویژگی نمادین آماج‌ها، باید خصیصه نمادین وسایل به کار برده‌شده در ترور را افزود» (أتنف، شماره ۳۹، ص ۳۲۷). با نگاهی به ترورهایی که با انگیزه‌های مذهبی صورت گرفته است، این مطلب به خوبی نمایان می‌شود که نمادین بودن وسایل به کار برده‌شده در این ترورها کاملاً محسوس است. اما برخلاف سایر ترورها که ویژگی قدرت نوع وسیله را تعیین می‌کند، در ترور با انگیزه‌های مذهبی، این تفسیر وحشت‌افکن (تروریست) از مذهب است که نوع وسیله مورد استفاده در ترور را تعیین

می‌کند. نمونه‌ای از ویژگی نمادین بودن ابزار در ترور را می‌توان در اعمال فرقه‌ای به نام خانج^{۱۰} و کیسانیه^{۱۱} مشاهده کرد. خانجیان قربانیان را با نوعی شال خفه می‌کردند و کیسانی‌ها قربانی خود را با ضربات چماق به قتل می‌رساندند (هاجسن، ۱۳۶۹، ص ۱۰۷).

جمع‌بندی

پژوهش‌هایی انجام‌شده در زمینه رابطه مذهب و جرم، معطوف به نقش مذهب در پیشگیری از جرائم بوده و در مورد تأثیر انگیزه‌های مذهبی در ارتکاب جرائم پژوهش علمی صورت نگرفته است. ذکر این نکته ضروری است که جرم‌زایی انگیزه‌های مذهبی متوجه مذاهب الهی نیست و ناشی از انحرافات مذهبی، آموزه‌های نادرست فرقه‌های مذهبی، برداشت‌های فردی از مذهب، عوامل سیاسی و... است.

تعریف دقیق از این دسته از جرائم و بررسی تحلیلی مصادیق آن ضمن تبیین اهمیت این جرائم، می‌تواند به‌عنوان گام‌های اولیه شناسایی این جرائم، علت‌شناسی و اتخاذ تدابیر مناسب برای پیشگیری از آن تلقی شود. تعریف نویسندگان از این جرم، هرگونه رفتار مجرمانه‌ای است که انگیزه انحصاری یا اصلی‌ترین انگیزه ارتکاب آن عمل به فرمان‌های مذهبی یا پاسداری از حریم مذهب باشد.

با توجه به تعریف مذکور و با دقت در مصادیق جرائم با انگیزه‌های مذهبی می‌توان برخی ویژگی‌های این جرائم را در موارد ذیل خلاصه کرد:

الف. توجه به این دسته از جرائم با توجه به اینکه اولاً به نام مذهب و به کام برخی از سوجدویان است و از سوی دیگر افزایش فراوانی آن در برخی کشورها، به‌ویژه کشورهای اسلامی، رعب و وحشت فراوانی ایجاد کرده است، امری کاملاً ضروری است؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه عنوان کرد که نخستین قربانی این جرائم، مذهب است.

ب. با توجه به نقش برجسته انگیزه در جرائم مذکور، این جرائم صرفاً به‌صورت عمدی قابل تحقق است. در جرائم غیرعمد و خطای محض (به‌دلیل نبود عنصر عمد) اساساً موضوع انگیزه و به طریق اولی انگیزه مذهبی منتفی است.

- ج. با توجه به شرایط اختصاصی هر جرم امکان ارتکاب برخی جرائم مانند سرقت حدی وجود ندارد.
- د. در برخی از مصادیق علی‌رغم اینکه فرض ارتکاب جرائم مذکور غیرممکن نیست ولی در عمل به‌ندرت به وقوع می‌پیوندد، مانند صدور چک پرداخت‌نشدنی (بی‌پشتوانه).
- هـ. در برخی از مصادیق مانند جنایات مادون نفس، اهمیت جرم با توجه به قصد اصلی مرتکب تعیین می‌شود و صرف توجه به موضوعی که در معرض مخاطره است، نمی‌تواند بیانگر اهمیت جرم باشد.
- و. بزه‌دیدگان این جرائم غالباً از میان افراد و گروه‌های خاص انتخاب می‌شوند؛ اگرچه در مواردی نیز بزه‌دیده اساساً موضوعیت ندارد.
- ز. گونه‌شناسی انگیزه مذهبی در مذکور ضمن تحلیل بهتر فرایند ارتکاب این جرائم، می‌تواند در موفقیت برنامه‌های پیشگیرانه نقش بسزایی داشته باشد.

یادداشت‌ها

1. motivation
2. religious
3. revealed
4. sects
5. Patty Hearst
6. thuges

۷. رابین‌هود یک شخصیت داستانی و الگوی کهن در فرهنگ فولکلور انگلیس است. ماجرای رابین‌هود، قصه دزدان معروف جنگل شروود است. رابین‌هود به‌همراه همدستانش به کاروان‌های حکومتی حمله می‌کردند و دارایی آنان را می‌دزدیدند و میان تهیدستان تقسیم می‌کردند. در فرهنگ عمومی، رابین‌هود نماد حق‌طلبی و بخشش دارایی‌های ستمکاران به مردم نیازمند است.

۸. برای مثال، در راهزنی‌های مبتنی بر نفرت مانند راهزنی که با انگیزه‌های نژادپرستانه ارتکاب می‌یابد، بزه‌کاران، بزه‌دیدگان خود را از میان گروه‌های خاصی انتخاب می‌کنند.

9. holy terror

10. Khunnag
11. Kaysaniyya

کتابنامه

- آشوری، داریوش (۱۳۷۳)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید. ##
- آقایبی نیا، حسین (۱۳۸۵)، *جرائم علیه اشخاص*، تهران: میزان. ##
- ابوزهره، محمد (۱۳۸۴)، *تاریخ مذاهب اسلامی*، ترجمه علی رضا ایمانی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب. ##
- آتف، رنالد، *رهیافت جرم‌شناختی و بزه دیده‌شناختی به تروریسم*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۹. ##
- امین، سیدمحسن (۱۹۵۲م)، *کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب*، دار الکتب الاسلامیه. ##
- جریس، صبری و الی لوبل (۱۳۵۰)، *صهیونیسم در فلسطین*، ترجمه منوچهر فکری رشاد، تهران: انتشارات توس. ##
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۶)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش. ##
- دحلال، سیداحمد بن زینی (۱۳۶۶)، *فتنه و هابیت*، ترجمه سید محمدرضا دین‌پور، تهران: دفتر تبلیغات مسجد قبا. ##
- دورانت، ویل (۱۳۶۷)، *تاریخ تمدن*، ج ۴، ترجمه ابوالقاسم طاهری، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ##
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۱۴، تهران: دانشگاه تهران. ##
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، ج ۱۲، تهران: دانشگاه تهران. ##
- الذهبی، غالی (۱۹۸۸م)، *الجزائم الجنسیه*، مصر: مکتبه غریب. ##
- رایش، والتر (۱۳۸۱)، *ریشه‌های تروریسم*، ترجمه سیدحسن محمدی‌نجم، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد. ##
- روشنی، علی محمد (۱۳۸۶)، *تحلیلی بر جرم‌شناسی کاذب*، تهران: بهنامی. ##
- السعید، ناصر (۱۴۰۴ق)، *تاریخ آل سعود*، الجزء الاول، بی‌جا: دار مکه المکرمه. ##
- عمید، حسن (۱۳۶۱)، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: امیرکبیر. ##
- فهری، سیدابوالحسن (۱۳۸۰)، *فرهنگ محیط*، تهران: انتشارات یادواره کتاب. ##
- قربان حسینی، علی اصغر (۱۳۷۱)، *جرم‌شناسی و جرم‌یابی سرقت*، تهران: جهاد دانشگاهی. ##

- قیاسی، جلال‌الدین؛ ساریخانی، عادل و خسروشاهی، قدرت‌الله (۱۳۸۸)، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی اسلام و حقوق موضوعه، ج ۲، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ##
- کسن، موریس (۱۳۸۵)، اصول جرم‌شناسی، ترجمه میر روح‌الله صدیق، تهران: دادگستر. ##
- کوشا، جعفر (۱۳۹۰)، بایسته‌های حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، ۲ و ۳، تهران: مجد. ##
- گ. س. هاجسن، مارشال (۱۳۶۹)، فرقه اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی. ##
- مجمع اللغة العربية (۱۹۹۰م)، المعجم الوجیز، بی‌جا: مجمع اللغة العربية. ##
- معین، محمد (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی، ج ۱، تهران: امیرکبیر. ##
- الموسوی الخمینی، روح‌الله (بی‌تا)، تحریر الوسیله، ج ۲، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم. ##
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۵)، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران: میزان. ##
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، جرایم علیه اشخاص، تهران: میزان. ##
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. ##
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۶۹)، حقوق جزای اختصاصی، جلد دوم، تهران: امیرکبیر. ##
- ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۶)، حقوق جزای اختصاصی در تفصیل قواعد تخریب اموال و اتلاف عمدی اسناد، تهران: نشر داد. ##